

توهین از طریق مطبوعات در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

علی صمدی اندزقی

چکیده

مطبوعات نقش مهمی در اطلاع رسانی صحیح و نقد دارد. بر این اساس مطبوعات در قانون اساسی جایگاه ویژه ای دارد و در ادامه آن حدود مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی ایران جایگاه مهمی دارد. در اصل ۲۴ قانون اساسی، آزادی مطبوعات تصریح شده است و بر این اساس آزادی مطبوعات طبق قانون اساسی دارای حد و مرز است و فعالیت مطبوعاتی نباید با قواعد و مبانی اسلامی منافات داشته باشد و نیز مخل مبانی نظام جمهوری اسلامی نباشد. در اصل ۱۷۵ قانون اساسی نیز ضرورت تامین آزادی برای رسانه های گروهی و مطبوعات مورد تاکید قرار گرفته است. در کنار این موضوع بحث جرایم مطبوعاتی در حقوق کشورها از جمله مهمترین بایسته های نظام اطلاع رسانی می باشد و در گذر زمان دچار تحولات مختلفی شده است. در ایران پیشینه مطبوعات و جرایم مرتبط با این حوزه برگرفته از حقوق فرانسه می باشد و دارای سابقه طولانی می باشد. توهین به عنوان یکی از جرایم مطبوعاتی مطرح می باشد و در حوزه جرایم علیه امنیت عمومی و همچنین جرایم علیه اشخاص مطرح می باشد. لذا این تحقیق با هدف بررسی جرم توهین مطبوعاتی در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه در سه فصل تدوین شده و در آن به بررسی کلیات مطبوعات، پیشینه جرایم مطبوعاتی و همچنین شرح مبسوط جرم توهین مطبوعاتی پرداخته شده و در نهایت این جرم در حقوق ایران و فرانسه مورد مقایسه قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که در خصوص توهین علیه



اشخاص حقوق ایران و فرانسه دارای شباهت زیادی می باشند اما در خصوص توهین به مقدسات حقوق فرانسه موضع محکمی ندارد اما حقوق ایران در این خصوص با توجه به ماهیت اسلامی آن دارای مواضع محکم و قوانین خاص می باشد.



مقدمه

مطبوعات به جهت ارتباط با حقوق مردم و ابزار انتقاد بودن از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد گذشته از آن نوع تأثیری که این رسانه مثل رسانه‌های دیگر به مانند رادیو، تلویزیون، سینما و غیره می‌گذارد. حاکی از گستردگی و شمول آن می‌باشد اگر چه «آزادی مطبوعات» گوهری است که باید حرمت آن را پاس داشت اما ویژگی‌هایی دارد که باید به مانند جاهای دیگر از مردم در مقابل آن نیز حمایت شود اگر مطبوعات ابزار توهین به احساسات ملی و مذهبی و حیثیت و آبروی اشخاص حقیقی شود لازم است نهاد قضائی که برخاسته از آوای غیرمستقیم مردم می‌باشد در مقابل آن اعلام جرم کرده و به مجازات مرتکب پردازد. در هر جامعه‌ای، اعتقادات به امور ماوراءالطبیعه، از قبیل خداوند، ملائکه، احکام ضروری و آیین‌هایی وجود دارد که برای اکثریت افراد آن جامعه از قداست خاصی برخوردار است. علاوه بر آن دیگر مقدسات همانند اشخاص مقدس، مکانها و زمانهای مقدس و اشیای مقدس وجود دارد که بی احترامی و توهین به آنها، عکس العمل اجتماعی را به دنبال دارد. ضرورت دارد دامنه مقدسات و هم مفهوم و معنای توهین و ابعاد مختلف آنها روشن گردد تا از طرفی بهانه به دست دولت مردان جهت سرکوبی مخالفین ندهد و از طرف دیگر راه را برای ورود افراد بی مبالات و لاقید به محدوده ممنوعه ببندد و مسدود سازد (قدسی و کوهیان افضل دهکردی، ۱۳۸۸ ص ۲۰۳).

با توجه به اینکه نقش مطبوعات در عرصه های مختلف کشور غیر قابل انکار است لذا قانونگذاری باید در این زمینه معقول و منطقی باشد. شناخت جرم انگاری در قلمرو مطبوعات بدون شناخت مبانی آزادی مطبوعات غیر ممکن است آزادی مطبوعات در کشور ایران با تأثیر از ملاحظات تاریخی و فرهنگی خاص، بیشتر متأثر از بینش اسلامی است آزادی عقیده و بیان در اسلام به عنوان پایه مبانی آزادی مطبوعات با برداشت ها و تأملات متفاوت دینی و فقهی همراه است، در حالی که مبانی این آزادی در کشورهای غربی اندیشه های دیگری بوده که حوزه آن را نیز موسع تر در نظر گرفته است. منافع فعالیت مطبوعاتی بر کسی پوشیده نیست و





برای تأمین هر چه بهتر شرایط لازم برای فعالیت آنها، اصل آزادی مطبوعات حاکم است اما از آنجا که امکان سوء استفاده از این آزادی نیز وجود دارد ناگزیر باید حد و مرزی برای این آزادی مقرر گردد و این امر در جهت تأمین منافع افراد و جامعه در برابر خطرات احتمالی مطبوعات معین و مقرر می شود (بابایی، ۱۳۸۴ ص ۷) و اینکه جرم انگاری در زمینه فعالیت مطبوعاتی استثنا بوده که اصل آزادی این فعالیت ها می باشد. بنابراین این موارد استثنایی باید دقیقاً مشخص باشد تا مطبوعات با لحاظ قرار دادن آنها به فعالیت بپردازد. به طور کلی دو نظام غرب و اسلام، حق آزادی را از حقوق اساسی انسان‌ها تلقی نموده، دولت و اجتماع را در آماده کردن محیط زندگی برای برخورداری از این حق اساسی مسئول می‌دانند. در حال حاضر در غرب نظریه‌های جدیدی در قلمرو آزادی مطبوعات در حال شکل‌گیری است. در نظریه مسئولیت اجتماعی مطبوعات - در مقابل نظریه آزادی مطبوعات - برای مطبوعه نیز همانند شهروندان، وظایف و مسوولیت‌هایی پیش‌بینی شده است، به این معنا که مطبوعات تنها دارای حق نیستند بلکه تکلیف آگاهی دادن به شهروندان و فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت مردم در سرنوشت خویش را نیز دارا می‌باشند. آزادی مطبوعات در کشور ایران با تأثیر از ملاحظات تاریخی و فرهنگی خاص کشور متأثر از بینش اسلامی است. آزادی عقیده و بیان در اسلام به عنوان پایه مبانی آزادی مطبوعات با برداشت‌ها و تأملات متفاوت دینی و فقهی همراه است. با راجعه به کتاب‌های دینی و فقهی و اقوال دینداران شاید نتوان در این خصوص به اجماعی دست یافت. پاره‌ای از نظریات دینی نسبت به آزادی نظر مثبتی نداشته و سعی دارند با دلایل عقلی و نقلی دایره آزادی را تا حد امکان به خصوص در قلمرو مسایل دینی محدود کنند، این گرایش در انقلاب اسلامی ایران مورد اقبال عامه قرار نگرفت، بلکه گرایش به آزادی در مفهوم عام و نیز آزادی بیان و مطبوعات از جمله اولین شعارهای مردم و رهبران انقلاب بود. در حال حاضر با توجه به نگرشهایی که در خصوص جرم توهین و همچنین آزادی مطبوعات در غرب به وجود آمده است این پژوهش به دنبال بررسی ریشه این قضیه بوده و سعی دارد به این سوال اساسی پاسخ دهد که اولاً جرم توهین مطبوعاتی در فقه اسلامی و حقوق ایران چگونه است و در ثانی این جرم در حقوق فرانسه چگونه می‌باشد؟

بخش اول: اهداف تحقیق

هدف اصلی: توهین از طریق مطبوعات در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه

اهداف جزئی: ۱- شناسایی مبانی جرم انگاری جرم توهین مطبوعاتی در حقوق ایران.

۲- مقایسه تطبیقی جرم توهین مطبوعاتی ایران در مقایسه با قوانین فرانسه.

۳- مقایسه تطبیقی جرم توهین مطبوعاتی حقوق ایران در مقایسه با آموزه های فقه اسلامی.

بخش دوم: ادبیات نظری

بند اول: تعریف لغوی توهین

توهین در لغت از ریشه وهن و مصدری عربی است که به معنای خوار و خفیف کردن آمده است. در اصطلاح حقوقی نیز به کاری گفته می شود که متضمن اسناد و اخبار نبوده و به نحوی است که در شخصیت و حیثیت متضرر از جرم نوعی وهن وارد نماید. به همین خاطر جرم توهین از جمله جرایم علیه شخصیت معنوی افراد تلقی می شود. چرا که تحقق این جرم موجب هتک حرمت اشخاص به وسیله رفتار مجرمانه، اعم از فعل، گفتار، نوشتار حتی در دنیای مجازی نیز می شود. در این فصل با عنوان انواع و عناصر اختصاصی جرم توهین مطبوعاتی به بررسی انواع توهین مطبوعاتی و توهین به مقدسات، مقامات و افراد پرداخته شده است.

بند دوم: مفهوم لغوی مطبوعات

مطبوعات از نظر لغوی واژه ای عربی است و جمع مؤنث سالم واژه مطبوعه است که های آن علامت تأیید مجازی است و مطبوع یعنی آن چه که چاپ شده است. مطبوعات با توجه به ریشه لغوی آن (طبع و چاپ) به معنای هر چیزی که به زیور طبع آراسته شود به کار رفته است اما مطبوعات در مفهوم خاص و در معنای مصطلح امروزی به معنای کاغذ اخبار یا روزنامه و اقسام آن شامل هفته نامه، ماهنامه، فصلنامه و با خصوصیات چاپ ادواری و نام ثابت بکار رفته است. هر چند مطبوعات در فرهنگ فارسی به هر نوشته چاپی اعم از کتاب، مجله، اعلامیه و هر آن چه به شکل نوشتارهای چاپ شده جهت انتقال اطلاعات تهیه شده باشد اطلاق می شود؛ اما با توجه به اهمیت خاصی که تعریف دقیق مطبوعات دارد قانون گذار مطبوعات را تعریف



نموده و حدود و ثغور آن را روشن نموده تا از تشتت آرا در تعریف جرایم مطبوعاتی کاسته شود (رازی، ۱۳۸۹ ص ۲۱۲).

بخش سوم: انواع توهین مطبوعاتی

توهین مطبوعاتی دارای مفهوم خاص بوده و باید از توهین به معنای اعم کلمه تفکیک شود. توهین مطبوعاتی را با توجه به مجازات آن می توان به دو نوع ساده و مشدد تقسیم نمود.

بند اول: توهین مطبوعاتی ساده

توهین ساده با توجه به مخاطب و میزان مجازات آن، مشمول ماده ۳۰ و تبصره ۲ ماده ۶ قانون مطبوعات است. این قسم توهین به اعتبار مخاطب آن، توهین به اشخاص را شامل می شود که با توجه به مفاد مواد ۶^۱ و ۳۰^۲ قانون مطبوعات، شامل افراد عادی، افراد فوت شده و زنان می باشد. قانون گذار در ماده ۳۰، اشخاص را به صورت مطلق آورده است که شامل شخص حقوقی نیز می شود. رویه قضایی نیز توهین به اشخاص حقوقی را جرم شناخته است. در یک پرونده، وزارت آموزش و پرورش به عنوان شاکی خصوصی جرم توهین، اقامه دعوا نمود که منتهی به محکومیت شد. در توهین مطبوعاتی، اصل را باید بر توهین ساده گذاشت و آن را مشمول ماده ۳۰ قانون مطبوعات قرار داد، مگر موارد استثنایی که در قانون به آن تصریح گردیده است (باقری صالح و بی پروا، ۱۳۹۳ ص ۵).

بند دوم: توهین مطبوعاتی مشدد

توهین مشدد، به اعتبار مخاطب توهین و مجازات آن، از توهین ساده مجزا می شود. توهین مشدد مطبوعاتی، در قلمرو نظم و امنیت عمومی قرار می گیرد. این قسم توهین که مشمول

^۱ - ماده ۶ اصلاحی ۱۳۷۹: «نشریات جز در موارد اخلاص به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می شوند آزادند...»

^۲ - انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش یا الفاظ رکیک یا نسبت های توهین آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است. مدیر مسؤول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می گردد و تعقیب جرایم مزبور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت، تعقیب در هر مرحله ای که باشد متوقف خواهد شد.

مواد ۲۶ و ۲۷^۱ قانون مطبوعات است را به اعتبار مخاطب توهین می توان به توهین نسبت به دین مبین اسلام و مقدسات آن، توهین نسبت به رهبر جمهوری اسلامی ایران و توهین به مراجع مسلم تقلید تقسیم نمود. توهین مشدد دارای جنبه عمومی است و از جرایم غیر قابل گذشت می باشد. در قانون برای توهین نسبت به مقدسات اسلام، مجازات ارتداد و لغو پروانه نشریه تعیین شده است که بنابر ماده ۲۷ قانون مطبوعات، در صورت توهین به رهبر جمهوری اسلامی ایران یا مراجع مسلم تقلید، پروانه نشریه لغو خواهد شد (فراهانی، ۱۳۸۴ ص ۱۱۶).

بخش چهارم: ارکان جرم توهین مطبوعاتی

جرم توهین، همچون سایر جرایم از سه عنصر قانونی، مادی و معنوی تشکیل شده است. هر لفظ اهانت آمیزی که موجب هتک حیثیت طرف مقابل شود را توهین می گویند. برای تشخیص ویژگی اهانت آمیز بودن هر رفتار، باید به عرف زمان و مکان رجوع کرد. در میان برخی طبقات مردم، ممکن است اظهار محبت یا تعریف و تمجید، با به کار بردن الفاظی همراه باشد که برای دیگران ناراحت کننده است. حتی برخی اوقات اشارات دست و انگشت در فرهنگ ما نوعی فحاشی تلقی می شود، در حالی که در کشورهای غربی، نوعی ابراز ارادت است، یا به عکس، برخی اشارات اهانت آمیز آنان، در فرهنگ ما فاقد معنی است. از این رو دیوان عالی کشور در رای شماره ۱۷۰۱ به تاریخ ۱۳۳۴/۷/۱۳ اظهار داشته است: «مفهوم توهین، امری نظری و قابل تشکیک است. بنابراین اگر در جرم توهین به مامور دولت، در حکم دادگاه، کیفیت توهین تشریح نشده باشد، چنین حکمی مخدوش خواهد بود». با این نظر، بی مصرف خطاب کردن کسی در جامعه ای که مبتنی بر کار و تلاش است، می تواند نوعی توهین تلقی شود. در رای صادره از دادگاه کار فدرال آلمان، کارفرمایی که در روزنامه



^۱ - هرکس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نیانجامد طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

^۲ - هرگاه در نشریه ای به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسؤول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد.



ی خود یکی از کارکنان اداری روزنامه را که در عرض سه ماه فقط سه روز کار کرده بود، به این جهت که «تنبیل ترین کارمند آلمان» معرفی کرده بود، مرتکب جرم توهین شناخته شد. این کارمند بارها با ارائه مدارک پزشکی، که کارفرما در صحت آنها تردید داشته، از کار غیبت نموده بود. دادگاه، عدم حذف کامل مشخصات کارمند از مطلب مندرج در روزنامه را به گونه ای که تشخیص کارمند مورد نظر را برای خواننده ممکن می سازد، موجب تحقق جرم توهین به کارمند دانسته و مرتکب را به هزار و سیصد و هشتاد پوند انگلستان به عنوان خسارت محکوم کرد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶ ص ۱۵۴).

شرط لازم برای تحقق جرم توهین، آن است که مخاطب اهانت، شخص معین باشد. عرف، توهین به یک گروه مشتمل بر تعدادی از اشخاص را توهین تلقی نمی کند. مانند آن که کسی همه کارمندان، کسبه، معلمان و دانشجویان را متهم به کم کاری نماید. در این حالت جرم محقق نشده است، مگر این که عده آنها مشخص باشد؛ یعنی تعداد اعضای گروه به قدری باشد که بتوان توهین را متوجه فرد فرد آنان دانست. به این شرط در رای شماره ۱۳۲۴ به تاریخ ۱۳۲۴/۸/۱۶ صادره از شعبه دوم دیوان عالی کشور آمده تصریح شده است. توهین لازم نیست حضوری باشد و در غیاب شخص، ولی در حضور دیگران قابل تحقق است. در توهین مطبوعاتی نیز بدون اینکه مخاطب در محل انتشار نشریه باشد یا روزنامه را مطالعه کند، جرم محقق می شود. توهین به اموات در صورتی قابل تحقق است که آن عمل عرفاً هتاکی به بازماندگان وی تلقی شود (باقری صالح و بی پروا، ۱۳۹۳ ص ۹).

بخش پنجم: عنصر قانونی جرم توهین مطبوعاتی

عنصر قانونی جرم توهین مطبوعاتی، بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات و مواد ۲۶ و ۲۷ و ۳۰ آن قانون می باشد. بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات، توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند را از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور جرم انگاری نموده است. مواد ۲۶ و ۲۷ این قانون نیز هتک حرمت دین مبین اسلام و مقدسات آن، مقام رهبری و مراجع مسلم تقلید را ممنوع نموده و ماده ۳۰ قانون مذکور، انتشار هر مطلب مشتمل بر فحش، الفاظ رکیک یا

نسبت های توهین آمیز و نظایر آن را نسبت به اشخاص جرم انگاری کرده است (باقری صالح و بی پروا، ۱۳۹۳ ص ۸).

بخش ششم: عنصر مادی جرم توهین مطبوعاتی

عنصر مادی جرم می تواند متشکل از سه بخش باشد: رفتار فیزیکی مرتکب؛ شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم؛ نتیجه حاصل از جرم. این سه بخش را در جرم توهین مطبوعاتی به طور مجزاء مورد بررسی قرار می دهیم.

الف) رفتار فیزیکی

در جرم توهین، رفتار فیزیکی می تواند به شکل گفتار، کردار، نوشتار و حتی اشاره باشد، اما در توهین مطبوعاتی، رفتار فیزیکی با انتشار مطالب یا تصاویری محقق می شود که باعث تخفیف یا تحقیر شاکی شود و به اعتبار وی لطمه وارد آورد. براساس بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات، انتشار عکس یا کاریکاتور، رفتار فیزیکی جرم توهین مطبوعاتی است. توهین با استعمال الفاظ رکیک و ارتکاب یک سری اعمال به وقوع می پیوندد (فراهانی، ۱۳۸۴ ص ۱۱). تفسیر مضیق قانون و تفسیر به نفع متهم ایجاب می کند که توهین از طریق فعل باشد. سلام نکردن به یک شخص محترم یا شخصی که دارای موقعیت بالای اعتقادی و اجتماعی است، موجب هتک حیثیت آن شخص می شود. هر جا عرف ترک فعلی را توهین قلمداد کند، می توان توهین مطبوعاتی را محقق دانست و صرف عدم بیان یک عنوان یا عدم اظهار یک عبارت را نمی توان توهین قلمداد نمود. از این رو با مراجعه به عرف باید اظهار نظر کرد که آیا صرف عدم ذکر عنوان برای یک شخص دارای مرتبه اجتماعی، موجب هتک حیثیت وی می شود یا خیر؟

ب) شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم توهین مطبوعاتی

برای تحقق جرم توهین مطبوعاتی، وجود مخاطب معین و وهن آور بودن رفتار ضروری است. صرف خشونت در گفتار، اهانت محسوب نمی شود. رویه قضایی بر این موضوع تاکید کرده است. در دادنامه شماره ۳۴ به تاریخ ۱۳۷۷/۹/۷ صادره از شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی





تهران، هیأت منصفه مطبوعاتی، به کار بردن اصطلاحات «جناح انحصار» و «سرکوب در مجلس» توسط ماهنامه ایران فردا را برای گروهی از نمایندگان مجلس توهین آمیز ندانست. سبب هتک حرمت، صرفاً الفاظ صریح نیست، بلکه الفاظ ضمنی نیز ممکن است موجب هتک حیثیت شود (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷ ص ۴۵). هیأت منصفه ی مطبوعاتی، قرار دادن سه عنوان پی در پی در یک صفحه نشریه «پنجشنبه ها» تحت عناوین «چگونگی فریب یازده دختر کرجی»، «هفتاد نماینده مجلس دیشب کجا بودند» و «آب از دهان سی نماینده مجلس در آمد» را توهین به نمایندگان مجلس تلقی کرد (همان منبع، ص ۴۶). برای تحقق جرم توهین مطبوعاتی، صراحت در اسناد لازم نیست، بلکه اگر الفاظ به صورت ضمنی توهین آمیز باشد، برای تحقق جرم کفایت می کند. بر اساس بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات، توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، از طریق عکس یا کاریکاتور، جرم است. نکته مهم در توهین مطبوعاتی، تشخیص موهن بودن است. گاه عبارت یا الفاظی با توجه به مفاهیم، معانی، نمادها و اقتضائات موجود در عرف نویسندگان و کاریکاتوریستها توهین محسوب می شود و در مواقعی، عرف اقشار خاصی از جامعه معیار تشخیص است و ممکن است خارج از احاطه قاضی و هیأت منصفه باشد. در این موارد، اخذ نظر کارشناسان اهل فن در این حرفه ها مفید است.

ج) نتیجه جرم توهین مطبوعاتی

توهین از جرایم مطلق است و مقید به نتیجه نمی باشد. بدین ترتیب، تحقق جرم منوط به تأثر و تألم مخاطب از اقدام مجرمانه نیست و جرم توهین به صرف موهن بودن عرفی رفتار مرتکب تحقق یافته است. بنابراین عنصر مادی جرم توهین مطبوعاتی، انتشار مطالب یا تصاویری است که موجب تخفیف و تحقیر مخاطب باشد و برای تشخیص مصادیق آن باید به عرف مراجعه نمود. در تفاوت توهین مطبوعاتی و افترا باید گفت افترا به معنای اخص عبارت است از نسبت دادن دروغ اموری که جرم است، در حالی که توهین به معنای استعمال الفاظ خفیف کننده است (باقری صالح و بی پروا، ۱۳۹۳ ص ۹).

بخش هفتم: قلمرو توهین به مقدسات از دیدگاه مذهب شیعه

از دیدگاه فقهای شیعه جرم توهین به مقدسات آنگاه محقق می شود که پیامبر گرامی اسلام (ص) و یا ائمه معصومین (ع) مورد اهانت و یا استهزا قرار گیرند. برخی از فقها، دشنام به پیامبر و یا یکی از امامان را نوعی ارتداد دانسته اند. اگر چه از نظر مجازات و دیگر آثار حقوقی، دقیقاً از احکام و قواعد مربوط به ارتداد تبعیت نمی کند. بسیاری از فقهای شیعه در توهین به مقدسات، حضرت زهراء (سلام الله علیها) را نیز ملحق به سایر معصومین (ع) دانسته اند. البته در یک ضابطه کلی می توان گفت هر آنچه که از دیدگاه اسلام در شمار مسائل ضروری و قطعی قرار گیرد توهین به آن، جرم است مانند توهین به قرآن، مسجد الحرام، کعبه و سایر شعائر الهی و مقدسات ضروری اسلام، اگر چه از نظر «میزان مجازات با هم تفاوت دارند». بر اساس قاعده حرمت اهانت به مقدسات، توهین به مطلق مقدسات دینی حرام است. ولی جرم بودن آن دسته از مقدسات دینی که در حد ضروری دین نباشد، نیاز به دلیل دیگری دارد. بر اساس این ضابطه، هر آنچه که مربوط به مقدسات سایر ادیان الهی باشد ولی از جمله مقدسات ضروری دین اسلام نیز به شمار آید داخل در قلمرو جرم توهین به مقدسات خواهد بود، مانند لزوم احترام به پیامبران الهی و یا تورات و انجیل واقعی و تحریف نشده. علاوه بر این، برخی از فقهای نام آور شیعه بدین موضوع تصریح نموده اند که اهانت و ناسزاگویی به دیگر پیامبران الهی نیز همان مجازاتی را دارد که برای توهین به پیامبر گرامی اسلام (ص) و معصومین (ع)، مقرر گردیده است (هاشمی، ۱۳۸۸ ص ۳۲).

شهید ثانی از جمله فقهای است که اهانت به سایر انبیای الهی را نیز مانند توهین به پیامبر گرامی اسلام مستحق مجازات دانسته است. به اعتقاد ایشان اهانت به دیگر پیامبران الهی بدین جهت ممنوع است که لزوم احترام به انبیای الهی و گرامی داشت آنان از ضروریات اسلام است و بنابراین، دشنام به آنان موجب ارتداد است. به نظر می رسد لازمه این تعلیل منطقی در کلام شهید ثانی آن است که توهین به سایر مقدسات ادیان الهی که از مقدسات ضروری اسلام محسوب می گردد، نیز ممنوع باشد به عنوان نمونه بر اساس دلالت صریح قرآن کریم، حضرت مریم (علیها السلام) از بانوان پاکدامن عصر خویش بود. و به دلیل برخی اتهامات ناروا





قرآن بر پاکدامنی ایشان تاکید ورزیده و ایشان را به عنوان بانوی نمونه معرفی کرده است. حال اگر کسی نسبت به این بانوی گرامی اتهام بی عفتی روا دارد مرتکب توهین به مقدسات اسلام گردیده است و مانند اهانت به مادر گرامی پیامبر اسلام (ص) و یا دختر گرامی ایشان، مستحق مجازات خواهد بود. (اگر چه این اتهام خود نوعی اهانت به شخص پیامبران نیز محسوب می شود) و یا اهانت به انجیل و تورات واقعی که از دیدگاه قرآن این دو کتاب - آنگاه که دستخوش تحریف نشده بودند - مانند قرآن کریم نورانیت داشته و از قداست برخوردار بوده اند (هاشمی، ۱۳۸۸ ص ۳۳).

شیخ ابو الصلاح حلبی یکی دیگر از فقهای بنام شیعه، نیز صراحتاً توهین به سایر انبیای الهی را مانند توهین به پیامبر گرامی اسلام (ص)، قابل مجازات دانسته است (حلبی، ۱۳۷۰ ص ۷۴). بنابراین شمول جرم توهین به مقدسات نسبت به اهانت سایر پیامبران الهی، از نظر قواعد فقه شیعه هیچ منعی ندارد و اگر چه فقط برخی از فقهای شیعه بدان تصریح نموده اند ولی از آنجا که دیگر فقهای شیعه مخالفتی صریح با این موضوع ابراز نداشته اند انتساب این نظریه به آنها نیز بعدی نخواهد داشت و شاید به همین دلیل «ابن زهره» در این مساله ادعای «اجماع» نموده است. مرحوم صاحب جواهر نیز پس از نقل نظر شهید ثانی و ادعای اجماع ابن زهره، نسبت به این نظریه گرایش نشان داده است. به اعتقاد ایشان روایتی که از پیامبر گرامی اسلام نقل گردیده، صراحت در این موضوع دارد که هر کس پیامبری را مورد دشنام قرار دهد مجازات او قتل است (نجفی، ۱۳۶۲ ص ۲۱۸).

بخش هشتم: قانون مطبوعات ایران و فرانسه

قانون مطبوعات در کشور فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی و همزمان با انقلاب کبیر فرانسه در این کشور اعلام موجودیت کرد که این قانون در ضمن اعلامیه حقوق بشر و شهروند نه تنها در فرانسه بلکه با سرایت آن در تمام اروپا تحولی نوین در حمایت از آزادی بیان ایجاد کرد. قانون مطبوعات در ایران به دوران مشروطه باز می گردد که با ورود جریان روشنفکری به انقلاب مشروطه و مشاهده این قانون در کشورهای اروپایی سران این نهضت را بر آن داشت تا بنیان گذار این قانون در ایران باشند. در قانون مطبوعات در فرانسه و هم در ایران وجود هیئت

منصفه پیش بینی شده است اگر چه وجود هیئت منصفه جهت رسیدگی به جرائم مطبوعاتی آنقدر مهم است که در قانون اساسی به آن اشاره شده است وجود هیئت منصفه در اصل ۱۶۸ قانون اساسی پیش بینی شده است و قانونگذار علاوه بر پیش بینی هیئت منصفه جهت جرائم مطبوعاتی به علنی بودن دادگاه ها در جرائم مطبوعاتی اشاره کرده است این اصل از این قرار است «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد. نحوه انتخاب شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می کند» باید در وجود هیئت منصفه به این نکته توجه داشت که اگر چه وجود این نهاد برای قانونگذار ما مهم بوده ولی در عرصه عمل نقش این نهاد حقوقی بسیار کم رنگ تر از این کشور اروپایی است. نکته دیگری که در رابطه با حضور هیئت منصفه در دعاوی قابل اشاره است این که مقنن به حضور این نهاد در دعاوی کیفری اشاره خاص کرده است و به جا می بود که در دعاوی دیگر نیز این نهاد مورد توجه قرار می گرفت چرا که برای دفاع از حقوق متهم نقش هیئت منصفه بسیار تأثیر گذار است. در جمهوری اسلامی رسیدگی به جرائم مطبوعاتی منوط به صلاحیت ذاتی است و در قانون با توجه به صلاحیت ذاتی به یکی از محاکم عمومی یا انقلاب واگذار شده است که می طلبد با توجه به آنچه که در قسمت اول به آن اشاره شد که اشاره به تخصصی بودن کار مطبوعات بود دادگاه های ویژه و قضات ویژه جهت این امر پیش بینی شود چرا که در کشور فرانسه مجامع ویژه ای جهت رسیدگی به دعاوی مطبوعاتی وجود دارد به طوری که در فرانسه رسیدگی به دعاوی مطبوعاتی به وسیله شورای صنفی مطبوعات انجام می شود.

بخش نهم: یافته های تحقیق

بند اول: جرائم مطبوعاتی و توهین از طریق مطبوعات

منظور از تعریف خاص این است که دایره شمول این تعریف از تعریف عام کوچک تر است و صرفاً شامل جرایمی است که در نشریات اتفاق می افتاد. تعاریفی که حقوق دانان مختلف از جرم مطبوعاتی ارائه داده اند بسیار مشابهند. بعضی از نویسندگان جرائم مطبوعاتی را جرائمی می دانند که در قانون مطبوعات احصاء شده اند و از طریق مطبوعات ارتکاب می





شوند. برخی دیگر از نویسندگان جرائم مطبوعاتی را عبارت از افعالی می‌دانند که در قانون مطبوعات به قید مجازات ممنوع گردیده است. برخی دیگر نیز معتقد است که در حال حاضر هرگونه جرمی که در قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ احصاء شده است و به وسیله مطبوعات ارتکاب شود، جرم مطبوعاتی است (هاشمی، ۱۳۸۸ ص ۵۵۶).

دکتر گودرز افتخار جهرمی در تعریف جرم مطبوعاتی می‌گوید: «تعریف جرم مطبوعاتی همان چیزی است که در ابتدا به ذهن هر فردی متبادر می‌شود: جرم و عمل مجرمانه‌ای که به وسیله مطبوعات انجام شود جرم مطبوعاتی است». وی با توجه به اینکه در اصل ۱۶۸ قانون اساسی، هیچ اشاره‌ای به مداخلت قانونی در تعریف جرم مطبوعاتی نشده است، این امر را ناشی از عدم اختلاف در تعریف جرم مطبوعاتی می‌داند، اختلافی که به وضوح در تعریف جرم سیاسی، بین حقوقدانان و سیستم‌های مختلف حقوقی به چشم می‌خورد. ولی به نظر می‌رسد در تعریف جرم مطبوعاتی نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد. یکی از نویسندگان در مورد جرم مطبوعاتی چنین می‌گوید: «بر اساس اصل ۲۴ قانون اساسی می‌توان این تعریف را از جرم مطبوعاتی به دست داد: جرم مطبوعاتی عبارتست از انتشار مطالب مخل به مبانی اسلام و یا حقوق عمومی به وسیله مطبوعات. تفصیل و مصادیق آنها را قانون معین می‌کند» (مقدم‌فر، ۱۳۷۷ ص ۶۲). در گستره جغرافیایی جامعه امروزی ممکن است جرایمی اتفاق بیفتد که وسیله ارتکاب آن مطبوعات باشند مانند توهین و افترا که اگر در حالت عادی انجام شود یک جرم عادی است اما اگر از طریق نشریات به وقوع بپیوندد می‌تواند جرم مطبوعاتی تلقی شود (گرگی و همکاران، ۱۳۸۱ ص ۱۲۵). توهین مطبوعاتی، به وسیله مطبوعات انجام می‌شود. بنابراین مطبوعات نیز باید تعریف شود همانطور که در فصل اول پایان اشاره نمودیم مطابق ماده ۱ قانون مطبوعات، مطبوعات عبارت است از نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر می‌شوند. با عنایت به تبصره ۳ ماده ۱ قانون مطبوعات، نشریات الکترونیکی نیز مشمول عنوان مطبوعات شده و این قانون بر آن حاکم است، اما نشریاتی که بدون اخذ پروانه از هیات نظارت بر

مطبوعات منتشر می شوند، به موجب تبصره ۲ ماده ۱ قانون مذکور از شمول آن خارج اند. بنابراین توهین مطبوعاتی، توهینی است که به وسیله مطبوعات به معنی خاص آن انجام می شود و مشمول قانون مطبوعات می باشد.

بند دوم: جرم مطبوعاتی از دیدگاه قوانین اسلامی

جرم مطبوعاتی عبارت است از انجام اعمال و رفتارهایی که از قبل قانونگذار جرم انگاری نموده و برای آن مجازات یا اقدامات دیگری در نظر گرفته است. و در حال حاضر مطبوعات نیز بوسیله ماده یک قانون مطبوعات و آئین نامه اجرایی آن تعریف و تعیین شده اند. لذا جرم مطبوعاتی عمل یا رفتار یا نوشتار متنی یا گرافیکی و الکترونیکی یا دیجیتالی می باشد که برخلاف قانون و اخلاق مطبوعاتی بوده و مخل به حقوق اشخاص حقیقی یا حقوقی باشد. جرائم مطبوعاتی دو دسته کلی دارند برخی از آنها همان جرائم عمومی هستند که بوسیله اشخاص ممکن است ارتکاب یابد ولی برخی دیگر جرائمی هستند که صرفا مباشر آن مطبوعات می باشد و شخص دیگری نمی تواند آن را مرتکب شود. (ماده ۷ قانون مطبوعات) دسته ای از جرائم هم وجود دارد که مطبوعات هیچ وقت مرتکب آن نمی شوند. مثل قتل، تصرف عدوانی، خیانت در امانت و غیره. این دو گانگی در نوع جرائم ارتكابی سبب شده که تعریف جرم مطبوعاتی با ابهام روبرو شود ماده ۲ قانون هیات منصفه ۱۳۱۰ بیان می کند: «جرم مطبوعاتی جرمی است که بوسیله کتاب یا مطبوعات مرتب انتشار واقع می شود در واقع در این تعریف کتاب نیز بعنوان یکی از وسایل ارتکاب جرم مطبوعاتی ذکر شده است که اشتباه بوده و با تعریف مطبوعات مغایر است. در ماده ۳۴ لایحه قانون مطبوعات ۱۳۳۱ جرم مطبوعاتی عبارت بود از جرائمی که بوسیله روزنامه ها یا مجله واقع می شد (صوفی آبادی، ۱۳۸۳ ص ۲۱۹). در واقع تعریفی کلی که مطبوعات را وسیله ارتکاب جرم قلمداد می کرد در نهایت ماده ۳۰ لایحه قانون مطبوعات ۱۳۳۴ جرم مطبوعاتی عبارت بود از توهین و افترا به وسیله روزنامه یا مجله یا نشریه، از لحاظ ارتباط با مقام و یا شغل رسمی یا رویه اداری یا اجتماعی یا سیاسی به شخص یا اشخاص. و معنی مخالف آن این بود که اگر توهین و افترا در





ارتباط با اشخاص نباشد جرم نیست که این تعریف هم ناقص می باشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در قوانین ۱۳۵۸ و ۱۳۶۴ و ۱۳۷۹ و دیگر اصلاحات جرم مطبوعاتی تعریف نشده است ولی مصادیق جرائم مطبوعاتی بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم در حقوق و حدود مطبوعات ذکر شده است. البته به نظر می رسد که اصل ۲۴ قانون اساسی هم اصل آزادی بیان را در بردارد و هم جرم مطبوعاتی را، اصل ۲۴ ق.ا به این شرح است: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد، تفصیل آن را قانون معین می کند. لذا عده ای اعتقاد دارند جرم مطبوعاتی عمل خلافی است که محل به مبانی اسلام و حقوق عمومی است و ماده ۶ قانون مطبوعات براین اساس تصویب شده است. به هر حال ما هنوز در زمینه حقوق مطبوعات مثل بسیاری دیگر از زمینه های حقوق تحقیقات کاملی انجام نداده ایم و شاید علت آن هم وجود محدودیتهای واقعی و خود ساخته ای می باشد که در هر مقطعی از زمان داشته ایم. و به نظر می رسد تا اصول قانون اساسی در زمینه حقوق ملت به درستی تبیین و قانونگذاری نشود امکان موفقیت در این زمینه ضعیف باشد (مقدم فر، ۱۳۷۷ ص ۲۲).

بخش دهم: توهین مطبوعاتی در ایران

همه جرایم دارای جنبه عمومی اند، اما در برخی جرایم، جنبه خصوصی جرم قویتر از جنبه عمومی آن است و از این جهت تعقیب منوط به درخواست مدعی خصوصی است. جرم توهین مطبوعاتی از نظر ماهیت بر دو قسم است: قسم اول، مندرج در مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات است که حسب تبصره ماده ۲۷، تعقیب منوط به شکایت مدعی خصوصی نیست، اما جرم توهین مطبوعاتی مندرج در ماده ۳۰ قانون مطبوعات، از جرایم دارای جنبه خصوصی است که تعقیب آن منوط به شکایت شاکی خصوصی است. از این رو، توهین مطبوعاتی مشمول ماده ۳۰ جنبه عمومی ضعیف تری دارد که با استرداد شکایت از سوی شاکی خصوصی، تعقیب موقوف می گردد (باقری صالح و بی پروا، ۱۳۹۳ ص ۱۱). مجازات جرم توهین مطبوعاتی با توجه به تبصره ۲ ماده ۶ الحاقی به قانون مطبوعات، با احاله به ماده ۲۰۰

قانون مجازات اسلامی، یک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد. مجازات توهین مطبوعاتی از توهین ساده متفاوت است و تعیین مجازات با استناد به سایر مواد قانونی از جمله مواد ۱۱۱ و ۲۰۳ کتاب پنجم ق.م.ا صحیح نمی باشد.

بخش دهم: توهین مطبوعات در فرانسه

در کشور فرانسه، آزادی ارتباطات مانند سایر حقوق و آزادی هاست. عنصر اساسی حقوق ارتباطات که همان رژیم مسئولیت یا مقررات ماهوی است؛ مبین ساختار و بافت اصیل مطروحه در ماده ۱۱ اعلامیه ۱۷۸۹ حقوق بشر و شهروندی است که بر اساس آن تبادل آزاد افکار و عقاید یکی از گرانبهاترین حقوق بشر محسوب می شود. از این رو هر شهروندی می تواند آزادانه بیان کند، بنویسد و به چاپ برساند مگر در مواردی که قانون آن را به عنوان سوء استفاده از این آزادی بر شمرده باشد. عنصر متشکله جرم از یک طرف انتشار و اطلاع به عموم مردم و از طرف دیگر احراز قصد ارتکاب به جرم است. انتشار در قانون فرانسه شیوه های زیر را در بر می گیرد: سخنرانی، فریاد یا تهدیدهای اعمال شده در مکان ها یا مجامع عمومی، اعلامیه ها، نوشتارها و طرح ها، نقاشی، علائم و نشانه ها، تصاویر جزوات توزیع شده یا فروخته شده یا در معرض فروش یا نمایش قرار دادن این موارد در مکان ها و مجامع عمومی و... پلکار، تابلوهایی که در معرض دید عموم قرار می گیرند.

بخش یازدهم: مقایسه حقوق ایران و فرانسه در خصوص جرم توهین مطبوعاتی

در قانون مطبوعات در فرانسه و هم در ایران وجود هیئت منصفه پیش بینی شده است اگر چه وجود هیئت منصفه جهت رسیدگی به جرائم مطبوعاتی آنقدر مهم است که در قانون اساسی به آن اشاره شده است وجود هیئت منصفه در اصل ۱۶۸ قانون اساسی پیش بینی شده است و قانونگذار علاوه بر پیش بینی هیئت منصفه جهت جرائم مطبوعاتی به علنی بودن دادگاه ها در جرائم مطبوعاتی اشاره کرده است این اصل از این قرار است «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد. نحوه





انتخاب شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند» باید در وجود هیئت منصفه به این نکته توجه داشت که اگر چه وجود این نهاد برای قانونگذار ما مهم بوده ولی در عرصه عمل نقش این نهاد حقوقی بسیار کم رنگ تر از این کشور اروپایی است. نکته دیگری که در رابطه با حضور هیئت منصفه در دعاوی قابل اشاره است این که مقنن به حضور این نهاد در دعاوی کیفری اشاره خاص کرده است و به جا می‌بود که در دعاوی دیگر نیز این نهاد مورد توجه قرار می‌گرفت چرا که برای دفاع از حقوق متهم نقش هیئت منصفه بسیار تأثیر گذار است. در جمهوری اسلامی رسیدگی به جرائم مطبوعاتی منوط به صلاحیت ذاتی است و در قانون با توجه به صلاحیت ذاتی به یکی از محاکم عمومی یا انقلاب واگذار شده است که می‌تولد با توجه به آنچه که در قسمت اول به آن اشاره شد که اشاره به تخصصی بودن کار مطبوعات بود دادگاه‌های ویژه و قضات ویژه جهت این امر پیش‌بینی شود چرا که در کشورهایی نظیر فرانسه و انگلیس مجامع ویژه‌ای جهت رسیدگی به دعاوی مطبوعاتی وجود دارد به طوری که در فرانسه رسیدگی به دعاوی مطبوعاتی به وسیله شورای صنفی مطبوعات انجام می‌شود. در فصل هفتم از قانون مطبوعات به چگونگی انتخاب هیئت منصفه در ایران اشاره شده است انتخاب هیئت منصفه هر دو سال یک بار در مهرماه و در تهران توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با دعوت او و با حضور رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر، رئیس سازمان تبلیغات و نماینده شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سراسر کشور و در مراکز استان به دعوت مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان و رئیس شورای شهر مرکز استان، رئیس سازمان تبلیغات و امام جمعه استان یا نماینده وی تشکیل می‌شود هیئت مذکور در تهران ۲۱ نفر و در سایر استان‌ها ۱۴ نفر از افراد مورد اعتماد عمومی را از بین گروه‌های مختلف اجتماعی اعم از روحانیون، اساتید دانشگاه، پزشکان، مهندسان، نویسندگان، روزنامه نگاران، وکلای دادگستری، دبیران، آموزگاران، اصناف، کارمندان، کارگران، کشاورزان، هنرمندان و بسیجیان به عنوان اعضای هیئت منصفه انتخاب می‌کنند. در جمهوری اسلامی ایران هیئت منصفه حق هیچ گونه رأیی را ندارد و فقط در رابطه با جرم بودن یا جرم نبودن نظر

خود را ابراز میدارد. در قانون مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران حدود جرائم را در ارتکاب جرائم مطبوعاتی مشخص کرده است و نویسنده را مسئول نوشته هایش می داند اگرچه در این رابطه مدیر مسئول نیز مسئولیت دارد چرا که در تعریفی که از مدیر مسئول قانون ایران ارائه داده است علاوه بر نویسند که مسئول نوشته اش می باشد مدیر مسئول را نیز مسئول کلیه مطالب چاپ شده دانسته است. یکی دیگر از افرادی که در قانون نسبت به شخص او جرم انگاری شده است صاحب امتیاز است که خط مشی کلی نشریه متوجه اوست در قانون فرانسه نیز نسبت به جرائم مسئولیت تمام افراد نام برده را به صورت طولی قرار داده است و این نکته با توجه به اصل شخصی بودن مجازات ها از نقاط ضعف قانون فرانسه می باشد.

نتیجه گیری

حقوق ارتباطات در مطبوعات فرانسه در چارچوب آزادی بیان، آزادی اطلاعات و ارتباطات و آزادی های مشروع دیگر می باشد و قانون مطبوعات فرانسه به خوبی این آزادی ها را تضمین کرده است. این امر نشان میدهد که حقوق ارتباطات جایگاه والایی در نظام حقوقی فرانسه دارد و مباحث حقوق ارتباطات از ارکان دموکراسی در این کشور محسوب می شود.

حقوق و آزادی های عمومی در بادی امر، غالباً در قانون اساسی به رسمیت شناخته می- شوند. همانطور که ملاحظه شد حقوق مطبوعات، در قانون اساسی ایران (اصل ۲۴) تضمین شده و قانون و آیین نامه خاصی هم برای این منظور توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شده است که چارچوبهای حقوقی حاکم بر این آزادی و حدود آنرا مشخص می نماید. از سوی دیگر نتایج بیانگر آن است که حقوق مطبوعات و جرم انگاری در این حوزه برگرفته از حقوق فرانسه می باشد که متناسب با شرایط خاص کشور اسلامی دچار برخی تغییرات شده است. بنابراین آزادی مطبوعات در ایران بواسطه سند قانونی داخلی بین المللی تضمین شده است. قانون مطبوعات ایران برای مطبوعات و عدم خروج آن از حدود قانونی و سوء استفاده از این آزادی، اهدافی مشخص کرده است. نظام حقوقی ایران مطابق قانون، هرگونه نظر و انتقاد سازنده و با رعایت موازین اسلامی را مجاز دانسته است. در ایران نشر مطالب الحادی و مخالف





موازن اسلام ممنوعیت تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر و ممنوعیت اهانت به دین، ایجاد اختلاف میان اقشار جامعه، انتشار مطالب علیه اصول قانون اساسی، و تحریص به ارتکاب اعمال علیه امنیت و حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران مطابق قانون ممنوع است. در خصوص اهانت به مقدسات اسلامی باید گفت که یکی از جرایم پیش بینی شده در قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات است که اگرچه در بسیاری از احکام و مقررات تابع اهانت ساده می باشد، اما قواعد خاصی نیز بر آن حکمفرماست که این قواعد را باید در منابع شرعی جستجو کرد. زیرا ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی و مستندات قانونی دیگر، واژه مقدسات اسلامی را به صورت کلی بیان داشته و تفسیر روشنی از آن ارائه نکرده اند. اهانت به مقدسات اسلامی برخلاف اهانت ساده، فقط جرمی علیه افراد نیست بلکه اعتقادات، احکام و اشیاء نیز ممکن است موضوع این جرم قرار گیرند اما باید میان اینها و اساس اسلام رابطه لازم و ملزومی وجود داشته باشد به گونه ای که اهانت به آنها، اهانت به اصل اسلام تلقی شود. نکته دیگر اینکه اهانت به مقدسات اسلامی در صورتی مشمول ماده ۲۴۵ قانون مجازات اسلامی خواهد بود که عنوان مجرمانه خاصی مانند سب النبی یا ارتداد پیدا نکند بنابراین تفکیک میان این عناوین نیز مهم است. نگاهی به حقوق فرانسه نشان می دهد که جرم توهین به مقدسات در حقوق فرانسه پیش بینی شده اما با عنایت به شرایط سیاسی آن کشور به اندازه حقوق ایران در این مورد جرم انگاری شدید صورت نگرفته است. نتایج نشان داد که در خصوص توهین به مقامات در حقوق ایران نیز قوانین لازم پیش بینی گردیده اما دارای برخی خلاها و نقاط مبهم می باشد که از آن جمله می توان به نقش ترک فعل در مواجهه با مقامات اشاره کرد. در زمینه توهین به افراد نیز در حقوق ایران لفظ توهین، افترا و هتک حرمت علیه افراد مشاهده می گردد و این در حالی است که در حقوق فرانسه صرفاً لفظ انتقاد علیه افراد استعمال گردیده اما تعدد لغات در حقوق ایران در حقیقت مشابه با حقوق فرانسه است. در حالت کلی مشاهده می گردد که حقوق ایران در خصوص جرایم مطبوعاتی دارای شباهتهای زیادی با حقوق فرانسه می باشد اما در زمینه توهین به مقدسات اختلاف عمیقی وجود دارد.

پیشهادات

با عنایت به مفاهیم فوق پیشهادات زیر ارائه می گردد:

جهت حمایت از حقوق نویسندگان و حق آزادی بیان در نشریات پیشنهاد می گردد نقش هیات منصفه در روند رسیدگی به جرایم بیشتر مدنظر قرار گیرد و خلا ناشی از نبود این نهاد پوشش داده شود.

پیشنهاد می گردد مصادیق توهین مطبوعاتی در قانون با عنایت به نیازهای روز مورد تجدید نظر قرار گیرد.

پیشنهاد می گردد در راستای بهبود قانون جرایم مطبوعاتی منجمله مبحث توهین، به وسیع سازی این مفهوم در حوزه نشریات الکترونیکی و همچنین ابزار مشابه با مطبوعات در قانون بازنگری لازم انجام گیرد. به پژوهشگران در تحقیقات آتی:

پیشنهاد می گردد قانون مطبوعات در ایران با اسناد بین الملل و مخصوصا قانون کامن لا مورد مقایسه قرار گیرد.

پیشنهاد می گردد بحث توهین مطبوعاتی در حوزه توهین به مقدسات در کشورهای اسلامی همانند حقوق مصر و... مورد مقایسه تطبیقی قرار گیرد.



منابع و مأخذ

- بابایی، حسین. (۱۳۸۴). حدود و مبانی جرم انگاری در جرایم مطبوعاتی در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، قم: دانشگاه قم.
- باقری صالح، مجید و بی پروا، امیر. (۱۳۹۳). جرم توهین مطبوعاتی، فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۱.
- رازی، فریده. (۱۳۸۹). فرهنگ عربی در فارسی، چاپ هفتم، تهران: نشر مرکز.
- صوفی آبادی، محمود. (۱۳۸۳). نقد و بررسی صلاحیت دادگاه ها در جرایم مطبوعات، فصلنامه دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، شماره ۱۰.
- فراهانی، عذرا. (۱۳۸۴). اسناد و پرونده های مطبوعاتی ایران دهه هفتاد، جلد های نخست، دوم و سوم، تهران.
- قدسی، سیدابراهیم. کوهیان افضل دهکردی، امین. (۱۳۸۸). مقدسات و توهین به آن، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و یکم، شماره ۱، صص ۱۶۵-۲۰۶.
- گرجی، ابوالقاسم و معتمدنژاد، کاظم و اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۱). میزگرد جرایم مطبوعاتی، مجله پژوهش های حقوقی (دو فصلنامه علوم انسانی - حقوق)، سال نخست، شماره نخست.
- معاونت آموزش قوه قضاییه. (۱۳۸۷). بررسی تحلیل جرایم مطبوعاتی، تهران، جنگل، چاپ نخست.
- مقدم فر، حمید. (۱۳۷۷). جرایم مطبوعاتی، فصلنامه رسانه، شماره ۳۳.
- میر محمد صادقی، حسین. (۱۳۸۶). حقوق کیفری اختصاصی - جرایم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان، چاپ نخست.
- هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۸). حقوق اساسی جمهوری اسلامی، جلد ۲، انتشارت میزان، چاپ ۱۸.

حلبی، حمزه بن علی زهره. (۱۳۷۳). غنیة النزوع الی علمی الاصول والفروع، گردآوری شده
در سلسله الینایع الفقیهه. چاپ چهارم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۴۱، دارالکتب
الاسلامیه، تهران، چاپ سوم.

